



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی از مسائل مهم ارث مسئله موانع ارث است، بعضی از جریان ها و رخدادها مانع از ارث می باشند یعنی در مقابل مقتضی ارث گاهی مانع بوجود می آید، علت گاهی بسیط است و گاهی مرکب می باشد، اگر علت بسیط باشد همینقدر که وجود پیدا کند معلول نیز بوجود خواهد آمد اما اگر مرکب باشند از چند چیز تشکیل می شود و باید همه اجزاء محقق بشوند تا معلول پدید آید مثلا آتش نسبت به حرارت علت تامه می باشد اما آتش نسبت به سوزاندن اینطور نیست بلکه آن چیزی که می خواهد بسوزد اولاً باید در مجاورت آتش باشد ثانياً چوب تر نباشد، اما در مانحن فیه نیز علت مرکب می باشد یعنی طبقات ارث چه نسباً و چه سبباً همگی مقتضی هستند و علت تامه نیستند یعنی در صورتی که موانعی جلوی آنها را نگیرد باعث توارث می شوند اما حالا اینکه موانع ارث چیست بحث امروزمان خواهد بود.

چند چیز مانع ارث بردن است که اولین آنها کفر می باشد، کافر از مسلمان ارث نمی برد حالا مقداری از کلام جواهر را می خوانیم تا مطلب روشن شود، صاحب جواهر اینطور می فرماید: «و علی کل حال فالکفر المانع عنه هو ما یخرج به معتقده أو قائله أو فاعله عن سمة الإسلام، فلا یرث ذمی ولا حریمی ولا مرتد ولا غیرهم من أصناف الکفار مسلماً بلا خلاف فیه بین المسلمین، بل الإجماع بقسمیه علیه، بل المنقول منه مستفیض أو متواتر کالنصوص و لا

ینعکس عندنا بل یرث المسلم الکافر أصلیاً ومرتداً فإن الإسلام لم یزده إلا عزاً، كما فی النصوص ولا ینافیہ النبوی "لا یتوارث أهل ملتين" إذ المراد نفيه من الطرفين، بأن یرث کل منهما الآخر، كما ورد تفسیره بذلك فی بعضها لا أن المراد منه نفي إرث المسلم للکافر، خلافاً لأكثر أهل الخلاف و هو كما ترى...الی آخر کلامه»^۱.

تفاوت مهم میان ما و اهل تسنن در این است که آنها می گویند هیچکدام از کافر و مسلمان از یکدیگر ارث نمی برند ولی ما می گوئیم کافر از مسلمان ارث نمی برد ولی مسلمان از کافر ارث می برد.

خب و اما در مورد خبر "لا یتوارث أهل ملتين" ما می گوئیم که باب تفاعل است یعنی هر دو از همدیگر ارث نمی برند ولی از طرفی روایات کثیره ای داریم که به طور خاص می گویند مسلمان از کافر ارث می برد و همین روایات تکیه گاه ما می باشند.

خب و اما شیخ طوسی در خلاف اینطور می فرماید: «مسألة ۱۶ : لا یرث الکافر المسلم بلا خلاف.

و عندنا: أن المسلم یرث الکافر قریباً کان أو بعیداً. و به قال فی الصحابة- علی روایة أصحابنا- علی علیه السلام، و علی قول المخالفین: معاذ بن جبل، و معاویة بن أبی سفیان. و به قال مسروق، و سعید، و عبد الله بن معقل، و مُحَمَّد بن الحنفیة، و مُحَمَّد بن علی الباقر علیه السلام، و إسحاق بن راهویه.

و قال الشافعی: لا یرث المسلم الکافر. و حکوا ذلك عن علی علیه السلام، و عمر، و عبد الله بن

^۱ جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۳۹، ص ۱۵، ط ۴۳ جلدی.

وقال الأربعة : لا يرث»^۴.

در صفحه ۳۴۷ از جلد ۲ کتاب "بداية المجتهد و نهایة المقتصد" نیز این بحث مفصلاً مطرح شده و احادیثی نیز نقل شده که فردا بحث خواهیم کرد إن شاء الله تعالی.....

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على
محمد و آله الطاهرين

مسعود، و عبد الله بن عباس، و زيد بن ثابت و الفقهاء كلهم.

دلیلنا: إجماع الفرقة و أخبارهم.

و أيضا قول النبي صلى الله عليه و آله : "الإسلام يعلو و لا يعلو عليه".

و روى معاذ بن جبل: قال: سمعت رسول الله -صلى الله عليه و آله - يقول: "الإسلام يزيد و لا ينقص".

و ما رواه المخالفون من قول النبي صلى الله عليه و آله: "لا يتوارث أهل ملتين" صحيح، لأن ذلك لا يكون إلا بثبوت التوارث بين كل واحد من صاحبه، و ذلك لا نقوله.

و يدل على صحة ما قلناه، قوله تعالى: "يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ" و قوله: "و لَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ" و قوله: "لِلرِّجَالِ نِصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَ الْأَقْرَبُونَ وَ لِلنِّسَاءِ نِصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَ الْأَقْرَبُونَ"، فهو على عمومه إلا ما أخرجه الدليل»^۲.

سید مرتضی در انتصار اینطور می فرماید: «مسألة ۳۲۳: و مما انفردت به الإمامية: عن أقوال باقي الفقهاء في هذه الأزمان القريبة، و إن كان لها موافق متقدم الزمان: القول بأن المسلم يرث الكافر و إن لم يرث الكافر المسلم.»^۳.

محمد جواد مغنیه در کتاب "الفقه على المذاهب الخمسة" اینطور می فرماید: «اتفقوا على أنّ غير المسلم لا يرث المسلم. و اختلفوا هل يرث المسلم من غير المسلم؟ قال الإمامية: يرث.

^۲ الخلاف، شیخ طوسی، ج ۴، ص ۲۳، مسئله ۱۶.

^۳ انتصار، سید مرتضی، ص ۵۸۷، مسئله ۳۲۳.

^۴ الفقه على المذاهب الخمسة، شیخ محمد جواد مغنیه، ص ۴۹۹.